

بررسی تأثیر ایدئولوژی جنسیتی مترجمان بر ترجمه رمان «من پیش از تو» اثر

جوجو مویز بر اساس نظریه لیکاف (۱۹۹۰)^۱

_____ مهدی دهقانی فیروزآبادی^۲ مهدی اوحدی^۳

و محمد صادق کنویسی^۴

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر جنسیت مترجمان بر ترجمه رمان من پیش از تو اثر جوجو مویز (۲۰۱۲) می‌پردازد. بدین منظور، بخش‌هایی از ترجمه مریم مفتاحی (۱۴۰۱) و محمد رضا کمالی (۱۴۰۲) انتخاب شده و تفاوت‌های ناشی از جنسیت مترجمان بر اساس نظریه لیکاف (۱۹۹۰) در رابطه با مؤلفه‌های زبان‌شناختی زبان زنانه، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مترجم زن از بار عاطفی و احساسی بیشتری در ترجمه خود استفاده کرده و تلاش نموده تا حد امکان به متن اصلی وفادار بماند. این درحالی است که، ترجمه مترجم مرد از لحاظ عاطفی خنثی‌تر و در برخی موارد فاقد ظرافت‌های زبانی مشهود در ترجمه مترجم زن بوده است. نکته حائز اهمیت این است که حدود نیمی از جملات، نشان‌دهنده تفاوت‌های چشمگیری میان دو ترجمه هستند که می‌توان آن را متأثر از ایدئولوژی جنسیتی مترجمان دانست. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که جنسیت مترجم می‌تواند به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در انتخاب‌های زبانی و سبکی ترجمه عمل کند.

واژه‌های راهنما: ایدئولوژی جنسیتی، زبان زنانه، «من پیش از تو»، نظریه لیکاف

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ به تصویب رسید.

۲. استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه طلوع مهر قم، قم، ایران؛ پست الکترونیک: dr.dehghani.ell@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه طلوع مهر قم، قم، ایران؛ پست الکترونیک: mahdiahadi46@gmail.com

۴. نویسنده مسئول: استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران؛ پست الکترونیک: ms.kenevisi@jahromu.ac.ir

۱. مقدمه

امروزه جنسیت به موضوعی مهم در مطالعات ترجمه تبدیل شده است. از آنجا که زنان و مردان به دلیل تجربیات زیسته و زمینه فرهنگی‌شان به شکل متفاوتی از زبان استفاده می‌کنند، مترجمان زن و مرد نیز ممکن است سبک‌های متمایزی در ترجمه داشته باشند. بنابراین، ترجمه تنها انتقال متن نیست، بلکه بازتاب ایدئولوژی جنسیتی و هویت اجتماعی مترجم است. ایدئولوژی جنسیتی—یعنی باورها و هنجارهای اجتماعی درباره نقش‌های جنسیتی—به شکل پنهان یا آشکار بر ترجمه اثر می‌گذارد. از این رو، ایدئولوژی جنسیتی را می‌توان به نظامی از ارزش‌ها، باورها و هنجارهای مرتبط با نقش‌های جنسیتی در جامعه تعریف کرد که می‌تواند به صورت پنهان یا آشکار در ترجمه متون نمود یابد. این امر در انتخاب معادل‌های واژگان جنسیتی، بازتولید کلیشه‌های جنسیتی و انتقال پیام‌های مرتبط با جنسیت در متن مقصد تأثیرگذار است. این تأثیر در انتخاب واژگان، سبک زبانی و بازنمایی شخصیت‌ها نمود می‌یابد. بنابراین، مترجمان، آگاهانه یا ناآگاهانه، باورهای اجتماعی خود را در ترجمه منعکس می‌کنند. در نتیجه، پرسشی که مطرح است این است که چگونه و تا چه اندازه ایدئولوژی جنسیتی بر انتخاب‌های مترجمان تأثیر می‌گذارد؟ همان‌طور که گفته شده، چنین تاثیری را می‌توان بازتابی از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مرتبط با نقش‌های جنسیتی دانست که درونی یا ناخودآگاه در ذهن مترجم نهادینه شده‌اند. بنابراین، ایدئولوژی جنسیتی نه امری صرفاً فردی، بلکه ساختاری اجتماعی است که ترجمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند به بازتولید یا تقویت کلیشه‌های جنسیتی در متن مقصد منجر شود. برای مثال، در حالی که ممکن است مترجمی زن از ساختارهای زبانی عاطفی‌تر یا غیرمستقیم‌تری استفاده کند، حذف یا ساده‌سازی این عناصر توسط مترجمی مرد، بازتاب‌دهنده ترجیح رویکردی مستقیم‌تر و کمتر عاطفی است که با هنجارهای مردانه جامعه همخوانی دارد (لیکاف^۵، ۱۹۹۰؛ سیمون^۶، ۱۹۹۶؛ کوتس^۷، ۲۰۱۴).

پژوهش حاضر با تکیه بر چارچوب نظری لیکاف (۱۹۹۰) در رابطه با مؤلفه‌های

۵. Lakoff

۶. Simon

۷. Coates

زبان‌شناختی زبان زنانه به بررسی تأثیر ایدئولوژی جنسیتی بر ترجمه‌های فارسی مریم مفتاحی (۱۴۰۱) و محمدرضا کمالی (۱۴۰۲) از رمان پرفروش و عاشقانه «من پیش از تو»^۸ (۲۰۱۲) اثر جوجو مویز^۹ می‌پردازد. بر اساس نظریه لیکاف (۱۹۹۰)، زبان نه تنها ابزاری برای انتقال پیام بلکه بازتابی از ساختارهای قدرت و ایدئولوژی‌های اجتماعی است. لیکاف با معرفی مؤلفه‌های زبان زنانه، نشان می‌دهد که بسیاری از ویژگی‌های زبانی زنان—مانند استفاده از زبان غیرمستقیم، قیدهای تعدیل‌کننده، حسن تعبیر، و پرهیز از صراحت—ریشه در جایگاه اجتماعی و انتظارات فرهنگی از زنان دارد. این مؤلفه‌ها در واقع بازتابی از ایدئولوژی جنسیتی حاکم بر جامعه هستند که به صورت پنهان یا آشکار در گفتار و نوشتار زنان نمود می‌یابد. در پژوهش حاضر، چارچوب نظری لیکاف به-عنوان ابزاری تحلیلی به کار گرفته شده تا نشان دهد چگونه مترجمان زن و مرد، آگاهانه یا ناآگاهانه، ایدئولوژی جنسیتی خود را از طریق انتخاب واژگان، ساختارهای نحوی و سبک ارتباطی در ترجمه بازتاب می‌دهند. به عبارت دیگر، نظریه لیکاف امکان شناسایی و تحلیل این امر را فراهم می‌کند که چگونه ترجمه می‌تواند محل بازتولید یا حتی مقاومت در برابر کلیشه‌ها و ارزش‌های جنسیتی باشد و بدین ترتیب، پیوندی روشن میان زبان، ایدئولوژی و فرایند ترجمه برقرار می‌سازد (لیکاف، ۱۹۹۰).

با توجه به زن بودن نویسنده و راویان رمان «من پیش از تو» و پرداختن آن به مضامینی مانند عشق و خودمختاری، این رمان بستر مناسبی برای تحلیل گفتمان جنسیتی در ترجمه است. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جنسیت مترجم بر بازنمایی شخصیت‌ها و همچنین میزان بازتاب ایدئولوژی فمینیستی نویسنده در دو ترجمه مختلف از این رمان است. از منظر نظریه‌های فمینیستی ترجمه، ترجمه متون دارای گفتمان زنانه و فمینیستی همواره عرصه بازتولید یا مقاومت در برابر کلیشه‌ها و ارزش‌های جنسیتی است (سیمون، ۱۹۹۶؛ ون‌فلوتو^{۱۰}، ۱۹۹۷). در چنین متونی، مترجم نه فقط انتقال‌دهنده معنا، بلکه میانجی فعال گفتمان و ایدئولوژی است. نظریه لیکاف (۱۹۹۰) نیز با تأکید بر نقش زبان در بازتاب قدرت و ایدئولوژی، نشان می‌دهد که ویژگی‌های

۸. Me Before You

۹. Jojo Moyes

۱۰. Von Flotow

زبانی زنان، مانند گرایش به غیرمستقیم‌گویی، حسن تعبیر و همدلی، ریشه در ساختارهای اجتماعی و هنجارهای جنسیتی دارد.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری عامل جنسیت را به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در فرآیند ترجمه دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، پژوهش‌هایی مانند اسدالله شریفی و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان نشان داده‌اند که جنسیت مترجم می‌تواند در انتخاب معادل‌های جنسیتی، بازتولید کلیشه‌ها و حتی لحن متن تأثیرگذار باشد. به‌طور مشابه، شریفی‌فر و زند (۱۳۹۲) تأکید کرده‌اند که مترجمان زن و مرد به‌دلیل تفاوت در نگرش‌های فرهنگی، ممکن است در ترجمه مفاهیم مرتبط با جنسیت، رویکردهای متفاوتی داشته باشند. این تفاوت‌ها گاه در واژگان احساسی، جزئی‌نگری و حساسیت به کلیشه‌های جنسیتی نمود می‌یابد، چنان‌که در پژوهش هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی (۱۳۹۶) در تحلیل ترجمه متون فمینیستی مشاهده شده است. از سوی دیگر، مطالعاتی مانند بهمنی مطلق و مروی (۱۳۹۸) و تقدیمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) به بررسی تفاوت‌های زبانی بین جنسیت‌ها در ترجمه پرداخته و نشان داده‌اند که گاه مترجمان زن در مقایسه با مردان، به‌ویژه در بازنمایی شخصیت‌های زن، رویکردی دقیق‌تر و حساس‌تر دارند. لیویا^{۱۱} (۲۰۰۳) و ماندی^{۱۲} (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که مترجمان به‌عنوان میانجی‌گران فرهنگی، انتظارات اجتماعی متفاوت بین زبان‌ها را مدیریت می‌کنند. تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد زبان - که توسط هولمز^{۱۳} (۱۹۹۵) و استاکول^{۱۴} (۲۰۰۲) مستند شده‌اند - نشان می‌دهد که زنان و مردان از الگوهای واژگانی و نحوی متمایزی استفاده می‌کنند که ریشه در هنجارهای اجتماعی-فرهنگی دارد. نظریه فمینیستی ترجمه که توسط شری سیمون (۱۹۹۶) توسعه یافته، به نقد تاریخی حاشیه‌نشینی زنان در عرصه ترجمه پرداخته و آن را همزمان محل ستم و عاملی برای توانمندسازی می‌داند.

از منظر تاریخی نیز، هرچند مشارکت زنان مترجم اغلب کم‌اهمیت شمرده شده است، اما

۱۱. Livia

۱۲. Munday

۱۳. Holmes

۱۴. Stockwell

مترجمانی چون آن داسیه^{۱۵} (قرن هفدهم) و امیلی ویلسون^{۱۶} (۲۰۱۷) با ترجمه‌های خود، شیوه‌های مردسالارانه رایج را به چالش کشیده‌اند (فراری و پیسانا^{۱۷}، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های متعددی تأثیر جنسیت بر ترجمه را بررسی کرده‌اند. کوتس (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که ویژگی‌های زبان زنانه—مانند استفاده بیشتر از واژگان عاطفی، قیدهای تعدیل‌کننده و ساختارهای غیرمستقیم—در سه سطح بر ترجمه اثر می‌گذارد: در سطح واژگانی (ایجاد لحن ملایم‌تر)، در سطح گفتمانی (گفت‌وگومحوری بیشتر) و در سطح ایدئولوژیک (حساسیت بالاتر به بازنمایی جنسیت). به‌طور مشخص، ترجمه‌های زنان می‌تواند منجر به بازنمایی فعال‌تر شخصیت‌های زن و کاهش کلیشه‌های جنسیتی شود. مطالعه هادی‌پور و بهرامی (۱۳۹۶) نیز همسو با نظریه لیکاف (۱۹۷۵) نشان می‌دهد که مترجمان زن درک بهتری از گفتمان زنانه داشته و در انتقال آن به متن مقصد وفاداری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که جنسیت مترجم می‌تواند به‌طور معناداری بر خوانش نهایی متن تأثیر بگذارد.

در مجموع، پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل تطبیقی دو ترجمه فارسی از یک رمان پرفروش با محوریت زنانه، از دو جنبه متمایز می‌شود: نخست، بررسی بازتاب ایدئولوژی جنسیتی در ترجمه‌های معاصر و دوم، بهره‌گیری از چارچوب نظری لیکاف در چارچوب زبان‌شناسی شناختی برای تحلیل ابعاد عمیق‌تر بازنمایی جنسیت. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با ترکیب رویکرد انتقادی و زبان‌شناسی شناختی، به‌ویژه با تکیه بر نظریه لیکاف، به تحلیل نحوه بازنمایی گفتمان جنسیتی در ترجمه‌های فارسی می‌پردازد و تلاش می‌کند فراتر از توصیف تفاوت‌های سطحی، به تبیین سازوکارهای شناختی و مفهومی مؤثر بر این تفاوت‌ها دست یابد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به‌صورت تحلیلی-توصیفی، دو ترجمه فارسی از رمان «من پیش از تو» (اثر جوجو مویز) توسط مریم مفتاحی (مترجم زن) و محمدرضا کمالی (مترجم مرد) را مقایسه می‌کند.

۱۵. Anne Dacier

۱۶. Emily Wilson

۱۷. Ferrari, P., & Pisana, A.

با نمونه‌گیری سیستماتیک و تصادفی، ۱۲۴ جمله از متن اصلی و دو ترجمه، بر اساس چارچوب لیکاف (۱۹۹۰) که ۱۴ ویژگی زبانی مرتبط با جنسیت را بررسی می‌کند، تحلیل شد. برای پوشش کل رمان و جلوگیری از سوگیری، صفحات به‌طور منظم (مثلاً هر ۵ صفحه یکبار) انتخاب شدند. از هر صفحه، جملات دارای نشانه‌های زبانی مرتبط با نظریه لیکاف (مانند حسن تعبیر یا صورت‌های بیانگر) شناسایی و یک جمله به‌صورت تصادفی برای تحلیل انتخاب گردید. در صورت نبودن نشانه‌های مشخص، جملات نزدیک به اهداف پژوهش گزینش شدند. این روش، تعادل بین مرتبط بودن نمونه‌ها و تصادفی بودن انتخاب را تضمین کرد.

بر اساس چارچوب نظری لیکاف (۱۹۹۰) که تفاوت‌های زبانی زنان و مردان را بازتابی از نابرابری‌های اجتماعی می‌داند، این پژوهش به بررسی تأثیر جنسیت و ایدئولوژی جنسیتی مترجم بر ترجمه‌های فارسی رمان «من پیش از تو» اثر جوجو مویز می‌پردازد. با تمرکز بر چهارده ویژگی زبانی معرفی‌شده توسط لیکاف—از جمله حسن تعبیر، صورت‌های بیانگر، زبان همدلانه و پرهیز از جزمیت—هدف اصلی پژوهش پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا جنسیت مترجم بر بازنمایی شخصیت‌ها و گفتمان جنسیتی تأثیر گذاشته است؛ ایدئولوژی فمینیستی نویسنده تا چه اندازه در ترجمه‌های مریم مفتاحی (مترجم زن) و محمدرضا کمالی (مترجم مرد) بازتاب یافته است؛ و این مؤلفه‌های زبانی چگونه در انتخاب‌های دو مترجم نمود پیدا کرده‌اند. پیش‌فرض تحقیق بر این اساس است که ایدئولوژی جنسیتی—به‌عنوان مجموعه‌ای از باورهای نهادینه‌شده اجتماعی—از طریق فرآیند جامعه‌پذیری بر سبک ترجمه اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، انتظار می‌رود ترجمه مفتاحی با حساسیت بیشتر به گفتمان زنانه، از صورت‌های زبانی بیانگر، عناصر غیرکلامی و واژگان عاطفی بیشتری بهره برده باشد، درحالی‌که ترجمه کمالی ممکن است رویکردی مستقیم‌تر و تعدیل‌شده‌تر را نشان دهد. در نهایت، یافته‌های پژوهش تأیید می‌کند که ترجمه متون با بار ایدئولوژیک فمینیستی، عرصه‌ای برای تقابل ایدئولوژی نویسنده و مترجم است و جنسیت مترجم می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در بازتولید یا تعدیل گفتمان جنسیتی متن اصلی عمل کند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. کاربرد حسن تعبیر و واژه‌های مصغر

بر اساس نظریه لیکاف، زنان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بیش از مردان از حسن تعبیر و واژه‌های

مصغّر استفاده می‌کنند. حسن تعبیر به فرایند زبانی‌ای اشاره دارد که طی آن، واژگان یا عبارات دارای بار منفی، توهین‌آمیز یا ناخوشایند با اصطلاحات ملایم‌تر و خنثی‌تر جایگزین می‌شوند. این پدیده ممکن است با اهداف مختلفی از جمله کاهش تنش‌های ارتباطی، پرهیز از بیان مستقیم مفاهیم نامطلوب، یا حتی جنبه‌های طنزآمیز به کار رود. از سوی دیگر، اسم مصغّر به واژه‌هایی اطلاق می‌شود که با افزودن پسوندهای خاص، مفهوم کوچکی یا دل‌نشینی را منتقل می‌کنند. این ویژگی زبانی اغلب در گفتار زنان به‌منظور بیان احساسات، ایجاد صمیمیت یا تعدیل لحن کلام مورد استفاده قرار می‌گیرد. در تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، اگرچه نمونه‌ای از واژگان مصغّر یافت نشد، اما موارد متعددی از کاربرد حسن‌تعبیر در ترجمه‌های هر دو گروه جنسیتی مشاهده گردید که در جدول ۱ به آن پرداخته شده است.

جدول ۱ - حسن تعبیر و واژه‌های مصغّر

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
And they had quickly found a shared point of reference, which turned out to be my general uselessness . I didn't mind. It kept them both happy. (صفحه ۱۷۴)	پدر و ویل درباره موضوع مشترکی حرف می‌زدند که موضوع به سمت من چرخید که چقدر مفید هستم ویل هم از کارهای عجیب من برای بابا می‌گفت. برام مهم نبود فقط خوشحال بودم که اونا شاد هستند. (صفحه ۱۳۰)	بابا و ویل موضوع مشترکی برای صحبت پیدا کردند، اما بعد حرف من کشیده شد و اینکه چقدر به درد نخور هستم. اهمیتی نمی‌دادم. هرچه بود، هر دو را شاد می‌کرد. (صفحه ۲۵۵)

برخلاف ادعای مطرح‌شده در نظریه لیکاف مبنی بر استفاده بیشتر زنان از حسن‌تعبیر، بررسی نمونه‌های عینی نشان داد که در بسیاری از موارد، مترجمان مرد از عبارات تعدیل‌شده و غیرمستقیم‌تری استفاده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در ترجمه واژه "uselessness" دیده می‌شود که مترجم مرد با ترجمه این واژه به «چه قدر مفید هستم» و متعاقباً تغییر زاویه دید و بیان غیرمستقیم به نحوی بار منفی عبارت اصلی را کاسته و به‌صورت حسن‌تعبیر آن را بیان کرده است. در مقابل، مترجم زن آن را به «به‌دردنخور» ترجمه کرده است. این عبارت نه‌تنها به‌عنوان حسن‌تعبیر عمل نکرده، بلکه با استفاده از تصاویر احساسی اغراق‌آمیز، بار منفی جمله را حفظ و حتی تشدید نموده

است. بررسی نمونه‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد که الگوی جنسیتی ادعا شده در استفاده از حسن‌تعبیر در داده‌های این پژوهش تأیید نمی‌شود. به نظر می‌رسد تفاوت‌های مشاهده‌شده بیشتر متأثر از سبک فردی مترجمان، زمینه متنی یا تفاوت در برداشت از مفهوم حسن‌تعبیر باشد تا تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد زبانی.

۴.۲. کاربرد صورت‌های زبانی بیانگر

قیدها و صفت‌ها به‌عنوان عناصر زبانی بیانگر عواطف و احساسات عمل می‌کنند، در حالی که اسم‌ها و فعل‌ها بیشتر حامل بار معنایی عقلانی و منطقی هستند. از نظر لیکاف، زنان بیش از مردان از صورت‌های زبانی بیانگر استفاده می‌کنند. نمونه ارائه شده در جدول ۳ به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه انتخاب‌های زبانی متفاوت می‌تواند بازتاب‌دهنده تمایلات جنسیتی در برقراری ارتباط از این منظر باشد.

جدول ۲ - کاربرد بیشتر صورت‌های زبانی بیانگر

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
There was no sharpness to him now, no edge . It was as if being ill had finally made him vulnerable. (صفحه ۸۰)	لحن صدایش عصبانی نبود. در موقع مریض شدن انگار بی دفاع و آسیب پذیر هم شده بود. (صفحه ۵۹)	زبان‌ش اصلاً گزنده نبود و هیچ تیزی نداشت. گویی حالا که مریض بود، بی دفاع و آسیب پذیر هم شده بود. (صفحه ۱۲۴)

به‌عنوان یکی از بارزترین تفاوت‌های ترجمه‌های مفتاحی (مترجم زن) و کمالی (مترجم مرد)، بررسی تطبیقی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که مترجم زن از قیدها و صفت‌های بیشتری برای توصیف حالات و موقعیت‌ها استفاده کرده است؛ در حالی که مترجم مرد یا این عناصر زبانی را حذف نموده یا به حداقل رسانده است. این تفاوت نه‌تنها در تعداد کاربرد، بلکه در سطح کیفی و توصیفی این عناصر نیز مشهود است. همانگونه که قابل مشاهده است. برای مثال، در توصیف احساسات شخصیت اصلی، مترجم زن واژگان «تیز» و «گزنده» را برای «sharpness» و «edge» انتخاب کرده است که بار عاطفی و توصیفی بیشتری دارد. مترجم مرد در مقابل، فقط از «عصبانی» استفاده کرده است که بار عاطفی کمتری دارد. این تفاوت، تمایل مترجم زن به استفاده از صورت‌های زبانی بیانگر را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است اختلاف قابل توجه در تعداد صفحات

دو ترجمه رمان «من پیش از تو» عمدتاً ناشی از تفاوت در وفاداری به متن اصلی است؛ به طوری که ترجمه انجام شده توسط مترجم مرد شامل حذف و تلخیص بخش‌های قابل توجهی از متن اصلی بوده است. این حذف‌ها باعث کاهش چشمگیر حجم متن و در نتیجه کاهش تعداد صفحات ترجمه شده است. در مقابل، ترجمه مترجم زن نسبتاً وفادارتر به متن اصلی بوده و بخش‌های بیشتری را حفظ کرده است.

۴.۳. پرهیز از دادن پاسخ‌های صریح

بر اساس نظریه لیکاف، زنان بیش از مردان از دادن پاسخ‌های صریح و مستقیم پرهیز می‌کنند؛ تفاوتی جنسیتی که به وضوح در داده‌های گردآوری شده در مطالعه حاضر نیز قابل مشاهده بود. مطالعه موردی ارائه شده در جدول ۵، که به موضوع حساس ازدواج و خواستگاری می‌پردازد، نشان‌دهنده رویکرد متفاوت مترجمان زن و مرد در انتقال حالات عاطفی پیچیده و طفره رفتن از پاسخ صریح است.

جدول ۳ - پرهیز از دادن پاسخ‌های صریح

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
I opened it slowly feeling vaguely panicked for a moment that it might be an engagement ring. I wasn't ready. I had barely gotten my head around having my own bedroom. (صفحه ۱۸۰)	با آرامش بسته رو باز کردم، نگران بودم که نکند حلقه ازدواج باشد. من هنوز آمادگی زندگی مشترک را نداشتم. (صفحه ۱۳۳)	آهسته بازش کردم. لحظه ای هول شدم که شاید حلقه نامزدی باشد. اصلاً آماده نبودم. هنوز نمی‌توانستم فکرش را بکنم که وارد زندگی زناشویی شوم. (صفحه ۲۶۴)

در نمونه مورد بررسی، مترجم زن عبارت را به «هنوز نمی‌توانستم فکرش را بکنم که وارد زندگی زناشویی شوم» ترجمه کرده، در حالی که مترجم مرد از «من هنوز آمادگی زندگی مشترک را نداشتم» استفاده نموده است. هر دو ترجمه از نظر معنایی صحیح هستند، اما تفاوت بارز در انتقال بار عاطفی متن است. ترجمه زنانه با حفظ ساختار تردیدآمیز جمله اصلی («فکرش را بکنم»)، حالت دودلی و اضطراب درونی شخصیت را به خوبی منتقل می‌کند. در مقابل، ترجمه مردانه مستقیم‌تر و عینی‌تر است و از بیان غیرمستقیم احساسات اجتناب کرده است. این تفاوت را می‌توان

نشان‌دهنده حساسیت بیشتر مترجم زن به ابعاد عاطفی و روانی متن دانست.

۴.۴. الگوهای آوایی شک و تردید

زنان غالباً از الگوهای آوایی خاصی استفاده می‌کنند که بار معنایی پرسشی داشته و حاوی نشانگرهای شک، تردید یا نیاز به تأیید هستند. بررسی نمونه‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه هم نویسندگان و هم مترجمان در بیان جملات از عناصر زبانی حاکی از شک و تردید استفاده کرده‌اند، اما شدت و شیوه‌های این بیان به‌طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر جنسیت مترجم قرار گرفته است. این ویژگی زبانی در نمونه‌های جدول ۶ به‌وضوح قابل مشاهده است.

جدول ۴ - الگوهای آوایی جنسیتی

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
Don't you think it would have been fair to mention that I was basically on suicide watch? (صفحه ۱۲۰)	شما باید از روز اول علت استخدام منو می‌گفتید که باید مراقب باشم که خودکشی نکنه. (صفحه ۹۳)	فکر نمی‌کردید باید به من بگویید در اصل استخدام کرده اید که مواظب باشم دوباره خودکشی نکند غیر از این است؟ (صفحه ۱۷۸)

در تحلیل مقایسه‌ای ترجمه عبارت انگلیسی مشخص‌شده مترجم زن با انتخاب ساختار «فکر نمی‌کردید باید به من بگویید»، نه‌تنها ماهیت پرسشی جمله اصلی را حفظ کرده، بلکه با استفاده از فعل «فکر نمی‌کردید» که حاوی بار معنایی تردید است، فضایی انعطاف‌پذیر و گفت‌وگومحور ایجاد نموده است. این در حالی است که مترجم مرد با گزینه «شما باید از روز اول»، ضمن تغییر ساختار جمله به شکل خبری و قطعی، با به‌کارگیری فعل الزام‌آور «باید»، موضعی قاطع‌تر و غیرقابل‌چانه‌زن را به متن تحمیل کرده است.

۴.۵. کاربرد زبان محجوبانه و مودبانه

مطالعات نشان می‌دهند زنان به‌طور معناداری بیش از مردان از زبان مودبانه و محجوبانه استفاده می‌کنند (لیکاف، ۱۹۷۵؛ هولمز، ۱۹۹۵؛ کوتس، ۲۰۱۴). لیکاف این پدیده را به هنجارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی مرتبط می‌داند، درحالی که هولمز آن را نشانه تمایل زنان به حفظ ادب در تعاملات کلامی می‌داند. کوتس نیز ریشه این تفاوت را در عوامل اجتماعی-فرهنگی و روانشناختی می‌بیند. به‌طور کلی، این ویژگی زبانی هم تحت تأثیر انتظارات جامعه از زنان برای

رعایت تواضع کلامی است و هم ممکن است تا حدی بازتاب تمایل طبیعی تر آنان به ارتباطات غیرتهاجمی باشد.

جدول ۵ - کاربرد زبان محجوبانه و مؤدبانه

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
My grandmother had died a month previously after a long illness, and that summer was veiled in a thin layer of sadness. (صفحه ۱۵۴)	مادربزرگم ماه گذشته بعد از یک بیماری طولانی مرد و آن تابستان اندوهگین بودیم. (صفحه ۱۱۶)	مادربزرگم بعد از مدت‌ها بیماری، ماه پیش از دنیا رفته بود . تابستان غم انگیزی بود. (صفحه ۲۲۶)

مقایسه ترجمه‌ها نشان می‌دهد که جنسیت مترجم بر بازتاب ادب و صراحت در ترجمه تأثیرگذار است، اما ماهیت متن اصلی نیز نقش کلیدی دارد. در جملات صریح منتسب به شخصیت مرد، هر دو مترجم ناگزیر به حفظ بی‌پردگی متن بودند که نشان می‌دهد وفاداری به متن می‌تواند بر ترجیحات فردی غلبه کند. با این حال، در مواردی که متن انعطاف داشت، تفاوت‌ها آشکار شد: مترجم مرد واژه "died" را به صراحت «مردن» ترجمه کرد، درحالی که مترجم زن عبارت ملایم‌تر «از دنیا رفتن» را برگزید که هم مؤدبانه‌تر بود و هم بار عاطفی مثبت‌تری داشت.

۴.۶. گرایش به همدلی و همگرایی در گفتمان

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زنان در تعاملات کلامی، چه در گفتار و چه در نوشتار، رویکردی مبتنی بر همدلی و همگرایی را ترجیح می‌دهند. مطالعه تطبیقی نمونه جدول ۹ نشان‌دهنده تمایز بارز در سبک‌های ارتباطی جنسیتی است که به‌خوبی بازتاب دهنده مشخصه دوازدهم نظریه لیکاف می‌باشد.

جدول ۶ - گرایش به همدلی و همگرایی در گفتمان

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
----------	-----------	----------

I felt briefly sorry for Mrs. Traynor then. She still wore that haughty look of hers, but I could see underneath that she seemed a little lost, as if she couldn't quite understand what her husband was doing.	من برای خانم ترینر متأثر شدم. ظاهراً سردرگم شده بود. (صفحه ۹۹)	دلم برای خانم ترینر می‌سوخت. با اینکه هنوز همان قیافه متکبرانه را داشت، اما می‌توانستم ببینم که سردرگم است. گویی منظور شوهرش را درست درک نمی‌کرد. (صفحه ۱۹۱)
--	--	---

در نمونه‌ای از تعامل دو شخصیت زن، مترجم زن با برگزیدن «دل‌سوزی» برای *briefly* "sorry" هم معنای اصلی را منتقل کرد و هم با افزودن بار عاطفی، همدلی عمیق‌تری را بازتاب داد. این انتخاب حاکی از درک ظریف‌تر او از روابط زنانه است. در مقابل، ترجمه مردانه («متأثر») اگرچه صحیح، فاقد همان گرمی و همدلی است. با این حال، در مواردی که متن صریح بود، هر دو مترجم عملکرد مشابهی داشتند که نشان می‌دهد صراحت متن می‌تواند اثر جنسیت مترجم را کاهش دهد.

۴.۷. نقش عوامل غیرکلامی در گفتمان زنان

بررسی نمونه‌های یافت شده نشان داد که مترجم زن بیش از مترجم مرد در ترجمه در تعاملات ارتباطی و انتقال دقیق عناصر غیرزبانی دقت داشته است. این ویژگی که در نظریه‌های ارتباطات جنسیتی به‌عنوان یکی از وجوه تمایز سبک‌های ارتباطی زنان شناخته می‌شود، در نمونه ارائه‌شده قابل بحث است.

جدول ۷ - عوامل غیرکلامی در گفتمان زنان

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
I am pretty hopeless at keeping secrets. Treena says I touch my nose as soon as I even think of lying. (صفحه ۲۳۳)	در راز نگهداری آدم ناامید کننده‌ای بودم. (صفحه ۱۶۵)	آدمی نیستم که بتوانم رازی را در دلم نگه دارم، یا دروغ بگویم. ترینا همیشه می‌گوید وقتی فکر دروغ گفتن در سرم باشد، دست روی دماغم می‌کشم. (صفحه ۳۴۱)

بررسی نمونه‌ها نشان داد مترجم زن در مواردی نشانه‌های غیرکلامی متن اصلی را بهتر حفظ کرده است. به‌عنوان مثال، در صحنه‌ای که شخصیت با فکر به دروغ گفتن به‌طور غیرارادی

دست روی دماغ می‌گذارد، ترجمه مفتاحی این عمل را با عبارت «دست روی دماغ می‌کشم» منتقل کرد، درحالی که کمالی این جزئیات را حذف نمود. با این حال، این تفاوت را نمی‌توان صرفاً به جنسیت مترجم نسبت داد و ممکن است عواملی مانند سبک ترجمه یا اولویت‌دهی به روانی متن مقصد در این تصمیم‌گیری مؤثر بوده باشد. برای نتیجه‌گیری قطعی، بررسی نمونه‌های بیشتری ضروری است.

۴.۸. دقت دستوری و پرهیز از زبان عامیانه

بررسی نمونه‌های یافت‌شده نشان داد که زنان، به‌ویژه در بافت‌های رسمی یا نوشتاری، تمایل بیشتری به رعایت دقیق‌تر قواعد دستوری و پرهیز از عبارات عامیانه دارند. این ویژگی که در نظریه‌های جامعه‌شناسی زبان به‌عنوان یکی از وجوه تمایز سبک‌های ارتباطی جنسیتی شناخته می‌شود، در نمونه ارائه‌شده به‌شکل تفاوت‌های بین مترجمان زن و مرد در دقت زبانی نمود یافته است.

جدول ۸ - دقت دستوری و پرهیز از زبان عامیانه

متن مبدأ	مترجم مرد	مترجم زن
If you're worried, I have some devious secret plan to seduce you, you can just pull my plug out.	اگه فکر می‌کنی ازیت بخوام بکنم، می‌تونی این صندلی را از برق بکشی. (صفحه ۱۵۶)	اگر نگرانی که مبادا نقشه سری شیطانی برای از راه به در کردنت دارم، فقط کافی است دو شاخه صندلی چرخ دارم را از برق بکشی. (صفحه ۳۳۰)

خطای «ازیت» به جای «اذیت» نه‌تنها خوانش متن را دشوار می‌کند، بلکه نشان‌دهنده سطح پایین‌تر دقت در ویرایش است. به‌علاوه، استفاده نادرست از ترکیبات متداول فارسی نیز توسط مترجم مرد مشاهده شد که نشان‌دهنده بی‌توجهی به هنجارهای استاندارد زبان فارسی نسبت به ترجمه مترجم زن است؛ نمونه‌های بررسی شده حاکی از این بود که مترجم زن عموماً بیشتر به رعایت ساختارهای پذیرفته‌شده زبانی پایبند بوده است و کمتر دچار چنین اشتباهاتی شده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ایدئولوژی جنسیتی مترجمان مفتاحی (مترجم زن) و

کمالی (مترجم مرد) بر ترجمه رمان «من پیش از تو» اثر جوجو مویز (۲۰۱۲) بر اساس نظریه لیکاف (۱۹۹۰) انجام شد. در این پژوهش، «مشخصه» به معنای یکی از ویژگی‌های زبان زنانه بر اساس چارچوب نظری لیکاف (۱۹۹۰) است که شامل مؤلفه‌هایی مانند استفاده از زبان مودبانه، قیده‌های تعدیل‌کننده، ساختارهای تعاملی و غیره می‌شود. جملات نمونه بر اساس وجود این مشخصه‌ها تحلیل شدند تا میزان بازنمایی زبان زنانه در ترجمه‌ها سنجیده شود. بررسی جملات نمونه نشان داد که از ۱۲۴ جمله، ۵۱/۳۹ درصد آنها هیچ یک از مشخصات زبان زنانه لیکاف که معیار اصلی ما برای بررسی این جملات بودند را نداشتند. به عبارت دیگر، ۴۸/۶۱ درصد جملات دارای حداقل یکی از مشخصات مذکور بودند که ۶۰ جمله از ۱۲۴ جمله ما را تشکیل می‌دهد. پس از بررسی ۶۰ جمله دارای مشخصه خود متوجه شدیم که ۷۱٪ جملات (۴۳ جمله) فقط دارای یک مشخصه، ۲۴٪ جملات (هفت جمله) دارای دو مشخصه و ۵٪ جملات (یک جمله) دارای سه مشخصه بودند. هیچ یک از جملات، به صورت همزمان، بیش از سه مشخصه را دارا نبودند. ضمناً ۱۱ جمله (۸/۸۷ درصد) نیز کاملاً و یا بسیار شبیه به یکدیگر ترجمه شده بودند و مترجمان تفاوتی در ترجمه آنها قائل نشده بودند. در نهایت بررسی فراوانی مشخصه‌ها روشن می‌کند که مشخصه‌های تنوع لحن و آهنگ و صورت‌های زبانی بیانگر در ۱۰ جمله، مشخصه دقت دستوری در ۹ جمله و مشخصه عوامل غیرکلامی در ۸ جمله رخ داده‌اند. هرچند، سه مشخصه دقت آوایی، جاندار بودن صدای زنان در گفتمان شفاهی و تمایل به پذیرش قطع شدن کلام توسط دیگران و اجتناب از قطع کردن صحبت دیگران در هیچ یک از جملات یافت نشد و هیچ سهمی از ۶۰ جمله دارای مشخصه نداشتند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت مترجم بر ویژگی‌های زبانی و کیفیت ترجمه تأثیرگذار بوده است. بر اساس چارچوب لیکاف (۱۹۹۰)، مترجم زن در مقایسه با مترجم مرد از احساسات و رنگ‌آمیزی بیشتری بهره برده، وفاداری بیشتری به متن اصلی نشان داده و استانداردهای حرفه‌ای بالاتری را رعایت کرده است. این یافته‌ها با نظریه نقص لیکاف (۱۹۷۵) و مطالعات هادیپور و بهرامی (۱۳۹۶) همسو است. همچنین، گرایشات فمینیستی نویسنده در شخصیت‌پردازی که بر خودمختاری و مقاومت در برابر هنجارهای جنسیتی تأکید دارد، تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه را تأیید می‌کند که با دیدگاه‌های سایمون (۱۹۹۶) و لفویر (۱۹۹۲) همخوانی دارد. مترجم زن تمایل بیشتری به حفظ ویژگی‌های «زبان زنانه» داشت، درحالی که ترجمه مردانه

از ساختارهای مستقیم‌تر استفاده کرده بود. این نتایج با پژوهش‌های اسدالله شریفی و همکاران (۱۴۰۳)، شریفی‌فر و زند (۱۳۹۲)، بهمنی مطلق و مروی (۱۳۹۸)، تقدیمی نوغانی و عزتی (۱۳۹۵) و نیز یافته‌های کوتس (۲۰۱۴) درباره تمایل مترجمان زن به استفاده از واژگان عاطفی و صورت‌های غیرمستقیم همسو است. با این حال، این نتیجه‌گیری بر اساس داده‌های محدود حاضر است و تعمیم آن نیازمند مطالعات گسترده‌تر می‌باشد.

همچنین، یافته‌های مربوط به کاربرد صورت‌های مبهم زبانی توسط مترجم زن قابل تأمل است. اگرچه مطالعاتی مانند لیکاف (۱۹۷۵)، هولمز (۱۹۹۵) و کوتس (۲۰۱۴) نشان می‌دهند زنان تمایل بیشتری به استفاده از زبان غیرمستقیم و مبهم دارند، در این پژوهش تنها یک نمونه از این ویژگی مشاهده شد که آن هم مستقیماً تحت تأثیر متن مبدأ بوده و هر دو مترجم به شکلی مشابه آن را منتقل کرده‌اند. به‌طور مشابه، در مورد ویژگی مربوط به پرهیز از ابراز عقاید قطعی نیز عملکرد دو مترجم مشابه بود و الزامات متنی متن اصلی باعث شد هر دو مترجم، صرف نظر از جنسیت، به حفظ عدم قطعیت موجود در گفتار شخصیت‌ها پایبند بمانند. این که در مواردی که متن مبدأ به‌طور ایدئولوژیک سعی در به چالش کشیدن قطعیت مردانه دارد، وفاداری به متن ممکن است بر ترجیحات سبکی مرتبط با جنسیت مترجم اولویت پیدا کند.

علاوه‌براین، عدم حضور شاخص‌هایی مانند «دقت آوایی» و «جاندار بودن صدا» در یافته‌ها را می‌توان به ماهیت نوشتاری متن نسبت داد، زیرا این ویژگی‌ها عمدتاً در گفتار شفاهی ظاهر می‌شوند. به همین ترتیب، اگرچه لیکاف (۱۹۹۰) تنوع لحن و آهنگ را از ویژگی‌های گفتار زنان می‌داند، بررسی این مؤلفه در متن نوشتاری با چالش مواجه است. با این حال، هنگامی که لحن از طریق ابزارهای ادبی مانند آرایه‌های بدیعی و انتخاب‌های واژگانی سنجیده شود، مشاهدات حاکی از آن است که مترجم زن از طیف گسترده‌تری از الگوهای آهنگین در مقایسه با مترجم مرد استفاده کرده است.

لازم به ذکر است که در فرآیند تحلیل نمونه‌ها، تعدادی از مثال‌های استخراج‌شده از ترجمه مترجم زن با خطاهای زبانی، ویرایشی یا معنایی همراه بود که می‌تواند نشانه‌ای از عدم دقت مترجم در برخی موارد باشد. این موضوع به‌ویژه در بخش‌هایی که انتخاب واژگان یا ساختارهای نحوی نامتناسب با متن مقصد مشاهده شد، مشهود بود. با وجود آنکه هدف اصلی پژوهش حاضر تمرکز بر تفاوت‌های جنسیتی و ایدئولوژیک در ترجمه بوده است، اما نمی‌توان تأثیر

کیفیت کلی ترجمه و میزان تسلط مترجم بر زبان مقصد را در تحلیل نهایی نادیده گرفت. از این رو، بخشی از تفاوت‌های مشاهده‌شده میان دو ترجمه ممکن است علاوه بر عوامل جنسیتی، ناشی از تفاوت در سطح مهارت، تجربه یا دقت مترجمان نیز باشد. این نکته باید در تفسیر نتایج و تعمیم یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد تا از برداشت‌های یک‌جانبه یا اغراق‌آمیز جلوگیری شود. یافته‌های این پژوهش صرفاً به مقایسه دو ترجمه از یک رمان محدود نمی‌شود، بلکه پیامدها و اهمیت گسترده‌تری برای حوزه مطالعات ترجمه، زبان‌شناسی اجتماعی و حتی سیاست‌گذاری فرهنگی دارد. نخست، این پژوهش نشان می‌دهد که ترجمه نه یک فرایند مکانیکی، بلکه کنشی اجتماعی و ایدئولوژیک است که در آن مترجم به‌عنوان عامل میانجی، ارزش‌ها و هنجارهای جمعی جامعه خود را—آگاهانه یا ناخودآگاه—در متن مقصد بازتاب می‌دهد. این امر اهمیت توجه به جنسیت و ایدئولوژی مترجمان را در تحلیل‌های ترجمه و تربیت مترجم برجسته می‌کند. دوم، نتایج این مطالعه می‌تواند به آگاهی‌بخشی درباره بازتولید یا چالش کلیشه‌های جنسیتی در متون ترجمه‌شده یاری رساند و به ناشران، ویراستاران و سیاست‌گذاران فرهنگی هشدار دهد که انتخاب مترجم و نظارت بر فرایند ترجمه، می‌تواند بر تصویر زنان و مردان در متون ادبی و رسانه‌ای تأثیرگذار باشد. چنین بینشی می‌تواند به تولید ترجمه‌هایی منصفانه‌تر و حساس‌تر به مسائل جنسیتی منجر شود و نقش ترجمه را در ترویج برابری جنسیتی و گفتمان‌های فراگیرتر تقویت نماید. سوم، این پژوهش با ارائه چارچوبی برای تحلیل سبک‌های ارتباطی جنسیتی در ترجمه، می‌تواند الهام‌بخش مطالعات تطبیقی بیشتری در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف باشد و به توسعه نظریه‌های بین‌رشته‌ای در حوزه ترجمه، مطالعات جنسیت و جامعه‌شناسی زبان کمک کند. همچنین، نتایج این مطالعه می‌تواند در آموزش مترجمان، طراحی کارگاه‌های تخصصی و تدوین دستورالعمل‌های حرفه‌ای برای ترجمه متون حساس به جنسیت مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترجمه می‌تواند عرصه‌ای برای بازاندیشی و بازتعریف نقش‌های جنسیتی باشد و به چالش کشیدن یا تقویت هنجارهای اجتماعی از رهگذر زبان و بازنمایی ادبی کمک کند. چنین رویکردی، اهمیت اجتماعی و فرهنگی ترجمه را فراتر از انتقال صرف معنا نشان می‌دهد و بر نقش فعال مترجمان در شکل‌دهی به گفتمان‌های جمعی تأکید می‌گذارد.

در جمع‌بندی، یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌های سبکی و مفهومی در ترجمه‌های مریم مفتاحی و محمدرضا کمالی از رمان «من پیش از تو» تا حد زیادی متأثر از ایدئولوژی و رویکرد

مترجمان بوده است (لیکاف، ۱۹۹۰؛ سیمون، ۱۹۹۶). با این حال، عوامل دیگری مانند ایدئولوژی نویسندگان و استانداردهای حرفه‌ای نیز در شکل‌گیری ترجمه نقش داشته‌اند. پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده به بررسی آثار نویسندگان با گرایش‌های ایدئولوژیک متنوع‌تر و مترجمان با پیشینه‌های مختلف بپردازند تا سهم هر عامل به‌طور دقیق‌تر تحلیل شود. برای تحقیقات آتی، بررسی آثار نویسندگان مرد با گرایش‌های مردسالارانه و مطالعات بیناژنری نیز پیشنهاد می‌شود تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد. در نهایت، این پژوهش بر ضرورت آگاهی خوانندگان از تفاوت‌های ترجمه‌های موجود و لزوم توجه ناشران به استانداردهای کیفی ترجمه تأکید می‌ورزد.

۶. منابع

اسدالله شریفی، م.، صفوی راه سہی، ز.، عظیمی فرد، ف.، و طاهری اسکویی، م. (۱۴۰۳). نقد ترجمه از منظر جنسیت مترجم با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان؛ مطالعه موردی رمان‌های سرگذشت ندیمه و ندای کوهستان. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فارسی (فصلنامه مطالعات ترجمه و زبان)*، ۵۴ (۲)، ۱-۲۴.

بهمنی مطلق، ی.، و مروی، ب. (۱۳۹۸). بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان شب‌های تهران از منظر دستور زبان. *نقد زبان و ادبیات خارجی (پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی)*، ۱۰ (۱)، ۱-۲۰.

تقدمی نوغانی، ز.، و عزتی، ا. (۱۳۹۵). بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان. *مطالعات زبان و ترجمه*، ۴۹ (۳)، ۶۷-۸۹.

جو جو مویز (۱۴۰۱). *من پیش از تو* (م. مفتاحی، مترجم). نشر آموت.

جو جو مویز (۱۴۰۲). *من پیش از تو* (م. کمالی، مترجم). انتشارات ندای معاصر.

شریفی‌فر، م.، و زند، ف. (۱۳۹۲). تأثیر زبان زنانه و نگرش‌های فرهنگی جنسیتی بر ترجمه. *نقد ادبی*، ۶ (۲۳)، ۱۱۹-۱۴۲.

هادی‌پور، ه.، و بهرامی‌نظرآبادی، ن. (۱۳۹۶). زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی «کاغذ دیواری». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۷ (۲)، ۵۸۹-۶۰۲.

Coates, J. (2014). *Women, men and language: A sociolinguistic account of gender*

- differences in language* (3rd ed.). Routledge.
- Downing, D. B., & Bazargan, S. (Eds.). (1991). *Image and ideology in modern/postmodern discourse*. State University of New York Press.
- Ferrari, P., & Pisana, A. (2020). Does the translator's gender influence the interpretation of a text? What happens when women translate classics? *inTRAlinea*, 22.
- Freeden, M. (2003). *Ideology: A very short introduction*. Oxford University Press.
- Holmes, J. (1995). *Women, men and politeness*. Longman.
- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. Harper & Row.
- Lakoff, R. T. (1990). *Talking power: The politics of language in our lives*. Basic Books.
- Lefevere, A. (1992). *Translation, rewriting, and the manipulation of literary fame*. Routledge.
- Livia, A. (2003). One man in two is a woman: Linguistic approaches to gender in literary texts. In J. Holmes & M. Meyerhoff (Eds.), *The handbook of language and gender* (pp. 142–158). Blackwell.
- Moyes, J. (2012). *Me before you*. Penguin Books.
- Munday, J. (2022). *Introducing translation studies: Theories and applications* (4th ed.). Routledge.
- Simon, S. (1996). *Gender in translation: Cultural identity and the politics of transmission*. Routledge.
- Stockwell, P. (2002). *Sociolinguistics: A resource book for students*. Routledge.
- Von Flotow, L. (1997). *Translation and Gender: Translation in the Era of Feminism*. St. Jerome.
- Wodak, R. (Ed.). (1997). *Gender and discourse*. SAGE Publication.